

مطالعه تطبیقی فرهنگ احمدی نوده‌ی با نوبهار خانی و نصاب‌الصبیان فراهی

اسامه میری

Ossamehmiry77@gmail.com

تاریخ استلام البحث: 2024/3/1

تاریخ موافقة النشر: 2024/5/7

چکیده:

فرهنگ احمدی یکی از تصانیف گران‌سنگ شیخ معروف نوده‌ی است. این کتاب قاموس کوچکی در قالب نظم است که به‌منظور یاددهی لغات عرب به نوآموزان حجره‌های کردستان سروده شده است. این اثر جزو نخستین فرهنگ‌ها به‌شمار می‌آید که به زبان کردی سورانی به رشته تحریر درآمده و از آن زمان تاکنون مورد التفات علمای کردستان قرار گرفته و تا به امروز در برخی از حجره‌های کردستان به‌عنوان کتاب مقدماتی تدریس می‌شود. ایده تدوین این فرهنگ منظوم، مقتبس از دو فرهنگ نوبهار و نصاب‌الصبیان است. نوده‌ی با الهام گرفتن از آن دو فرهنگ و تألیف فرهنگ احمدی، خدمتی درخور توجه به جامعه هدف ارائه کرد. با کنکاش در سبک و قالب فرهنگ احمدی به پیروی نوده‌ی از دو فرهنگ منظوم پیشین پی می‌بریم. میرهن است که جایگاه علمی و معنوی شیخ معروف نوده‌ی و نیاز نوآموزان به فرهنگی با زبان کردی، این کتاب را به فرهنگی مرجع مآبانه مبدل کرد و از آن زمان تاکنون در بسیاری از حجره‌های کردستان تدریس می‌شود. نصاب‌الصبیان نیز همانگونه که در میان ایرانیان با اقبال روبرو گشت و مورد استفاده نوباوگان قرار گرفت، مرزها را در نوردید و در میان گردها نیز با اقبال عمومی مواجه گشت. نوبهار خانی نیز که تقلید از شیوه نصاب‌الصبیان در آن مشهود است، در محور عروضی متعدد، مفاهیم ارزشمند را از لابه‌لای اوراق به اذهان فراگیران منتقل ساخت و به‌عنوان واحد درسی در حجره‌ها مطرح شد.

واژگان کلیدی: فرهنگ احمدی، نوبهار، نصاب‌الصبیان، نوده‌ی، مطالعات تطبیقی

اهمیت پژوهش:

نوده‌ی با داشتن بیش از 60 تألیف در حوزه‌های متعدد علوم و معارف اسلامی جایگاه برجسته‌ای دارد و تاکنون نیز برخی از آثار وی در مدارس سنتی تدریس می‌شوند. پژوهش در مواد درسی مدارس سنتی مناطق گردنشین و بررسی سیر تاریخی آن‌ها تبیین بخشی از تاریخ علم و تمدن در این مرز و بوم است. با توجه به اینکه فرهنگ احمدی از نخستین فرهنگ‌های زبان کردی سورانی است اهمیت موضوع دوچندان می‌شود. با تألیف این کتاب توسط نوده‌ی فرهنگ‌های پیشین از جمله نصاب‌الصبیان فراهی، رخت بر بستند. مطالعه تطبیقی فرهنگ احمدی با نصاب‌الصبیان فراهی و نوبهار خانی علل این امر را برای ما روشن می‌سازد.

پیشینه پژوهش:

جواد سلماسی زاده (1351ه) در مقاله خود تحت عنوان نصاب‌الصبیان و تقلیدکنندگان آن، به منابع درخور توجهی اشاره می‌کند اما به شیوه تقلید فرهنگ احمدی اشاره‌ای نداشته است.

علی همدانی (1356ه) در مقاله نصاب‌الصبیان، به تحلیل نسخ متعدد از نصاب‌الصبیان پرداخته و به روش التقاطی در صدد معرفی نسخه برتر برآمده اما به تأثیر آن در فرهنگ‌های مشابه که در مناطق همجوار رایج نبوده‌اند، نپرداخته است.

علی فتاح دزه‌ای در سال (1985) در کتاب احمدی نوده‌ی و نوبهار خانی به تأثیرپذیری احمدی از نوبهار پرداخته اما اشاره‌ای به تأثیر نصاب‌الصبیان بر فرهنگ‌های مذکور نداشته است.

بیان مسئله:

شیخ معروف نوده‌ی نقش برجسته‌ای در حیات علمی گُردستان داشته و به تألیف کتابهای درسی متناسب با سنین مختلف طالبان علم عشق ورزیده است. وی در واپسین سالیان عمر خویش فرهنگ احمدی را به زبان کردی_ عربی جهت تدریس به فرزند خویش، کاک احمد سلیمانی به رشته نظم کشید. پیش از فرهنگ احمدی منابع دیگری همچون نصاب الصبیان فراهی و نوبهار خانی جهت آشنایی نوآموزان کرد با زبان و ادبیات عربی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این پژوهش بر آنیم به تأثیرپذیری احمدی از نصاب‌الصبیان و نوبهار بپردازیم و این خلأ تحقیقی را پر کنیم. پژوهشگر پس از بیان اهمیت تحقیق و پیشینه آن، در آغاز به بسط زندگینامه فراهی، خانی و نوده‌ی پرداخته و بعد از آن به مطالعات تطبیقی در این باب روی آورده و در بخش بعدی خصوصیات هر یک از فرهنگ‌ها را به صورت جداگانه آورده است. در پایان پژوهش، نتیجه‌گیری و منابع را ذکر کرده است. رویکرد پژوهش ما توصیفی_ تحلیلی است مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای، در وهله اول هر یک از موارد را توصیف می‌کنیم و جزئیات آن را بیان می‌کنیم، در وهله دوم با کنار هم چیدن مطالب آنها را تحلیل می‌کنیم و وجوه ارتباط موارد معین را توضیح می‌دهیم و اساس کار، کاوش در منابع کتابخانه‌ای است و مأخذ ما کتابهای مربوطه است.

احمدی نوده‌ی

پروردگار ملک و ملکوت
هدانا الی لسان العرب
بر محمد باد هم آل و اصحاب
معروف بن مصطفی بن احمد
و ابویه کاسه لافیه
کنم زبان عرب را بیان
شود دانای لغات عرب
والله ارجو اصلاح النبی
یک باب اسماء یک باب أفعال
جمعش یک بود یا کثیر
فعل ماضی را کنم ترجمه
مضارع و مصدر کم بی یا کثیر
وانفع بها الطالب المبتدی

به نام خدای حی لا یموت
الحمد لله علی ما وهب
صلات و سلام بی حد و حساب
و بعد بدان چنین می‌گوید
قد حقه الله بالطفه
در این رساله به کردی زبان
تا که فرزندم احمد بی تعب
لهذا (نام نوا) احمدیه
به دو باب کتاب می‌شود کمال
زیر هر اسمی می‌کنم تحریر
در باب أفعال میان همه
زیر هر فعلی می‌کنم تقریر
رب وفقنی و خذ بیدی

فرهنگ احمدی نوده‌ی؛ نخستین فرهنگ است به زبان مبدأ و مقصد (عربی_ کردی سورانی) که در آن فهم و درک واژگان را برای نوباوگان، میسر ساخت. این فرهنگ منظوم بیش از دویست سال است که نوشته شده و قریب به 376 بیت بوده و مشتمل بر حدود هزار و پانصد لغت رایج در کتب عربی است. احمدی از حیث قالب به دو پاره اصلی: مثنوی و غزل تقسیم می‌شود. احمدی در دو باب اسماء و أفعال نگاشته شده و در مقدمه کتاب، 13 بیت فارسی که کلمات کردی و عربی را نیز در بر می‌گیرد وجود دارد و به نظم شیوا در آمده است.

اولین چاپ کتاب هم در بغداد بوده به سال 1936م.

فرهنگ احمدی کتابی است شبیه (عربی بدون اشک چشم) (جان ادموندز، سیسل، 1367ه). .

صحبت‌ها در باب زمان نگارش فرهنگ احمدی، مختلف است. بعضی می‌گویند در سال 1795م فرهنگ احمدی به رشته نظم در آورده شده و بعضی دیگر ادعا می‌کنند که نویسندگان زندگینامه نوده‌ی، تألیف این فرهنگ و حتی تولد فرزند را معجزه دانسته‌اند چون کتاب سه سال پیش از تولد فرزند تألیف شده و والدین در سنینی نبودند که اصولاً انتظار فرزندآوری از آنها

برود (همان، 1367ه). در باب سبب نام‌گذاری می‌گویند: چون فرزندش (احمد) علت غائیه مرقوم نمودن این کتاب است، آن را احمدی نامیده است (محمزاده، محمد، 1386ه).

تا که فرزندم احمد بی تعب شود دانای لغات عرب

نوبهار خانی:

فرهنگ نوبهار خانی¹ نخستین فرهنگ منظوم است که با هدف یاددهی لغت زبان عربی و همچنین سهل‌گرایی در راه فهمیدن قرآن و علوم اسلامی دیگر، در زبان کردی به رشته تحریر درآمده است.

این فرهنگ متشکل از دیباچه‌ای به شیوه نثر مسجع و سیزده فصل به اسلوب نظم و خاتمه‌ای به‌طریق نثر مسجع است. تعداد ابیات آن دویست و شانزده بیت است در سیزده بحر عروضی که عبارتند از: چهار فصل در بحر رجز، سه فصل در بحر هزج، دو فصل در بحر رمل و چهار فصل در بحر مضارع، بسیط، سریع و مقارب.

احمد خانی این فرهنگ را در سن سی و دو سالگی نوشته و به نخستین تصنیف خانی، مشهور است.

همانگونه که اشاره شد، نوبهار نخستین فرهنگ منظوم به زبان کردی است، گمان می‌رود که خانی با تقلید از زبانهای هم-جوار و فرهنگ‌هایی که به شیوه منظوم در آن زبانها نوشته شده‌اند به‌ویژه فرهنگ نصاب‌الصبیان فراهی که در حجره‌های آن عهد کردستان تدریش مرسوم بود، نگاشتن فرهنگ خویش را آغاز کرده باشد.

پس از تألیف نوبهار، به‌تقلید از شیوه آن، فرهنگ‌های منظوم متعدد پا به عرصه وجود گذاشتند. از جمله آنها:

- فرهنگ گلزار: همانگونه که در منابع به آن اشاره شده، از جانب شاگرد احمد خانی به رشته تحریر درآمده و فرهنگی سه زبانه (عربی، کوردی، فارسی) است.
- فرهنگ مرصاد الاطفال: فرهنگی دوزبانه (کردی_فارسی) از جانب شیخ محمد کربلایی در سال 1913، در سیصد و بیست بیت سروده شده است.
- فرهنگ احمدی: فرهنگی دوزبانه (عربی_کردی) از جانب شیخ معروف نودهی در سده هجدهم به رشته تحریر درآمده است.

نصاب‌الصبیان

کتاب من بخوان گر علم خواهی همی گوید ابونصر فراهی

شماره ابیات نصاب‌الصبیان دویست بیت است که در دوازده بخش و هزار لغت با وزن‌های مختلف سروده شده است. در باب سبب نام‌گذاری آن اشاره رفته است که به حکم شارع اسلام، حد نصاب زکات نقره دویست درهم است و ابیات نصاب‌الصبیان نیز دویست بیت است و ابونصر ابیات خود را تلویحا به سیم سره تشبیه کرده که هر بیت نیز یک درهم سیمین است.

موضوعات مندرج در نصاب‌الصبیان: اشاره اجمالی به احوال نبی اکرم، گاه شماری، قواعد تنجیم، بیان مسائل شرعی، شناخت چهارپایان اهلی، قواعد صرف و نحو، اصول ساختمان چشم و ... می‌باشد.

شروح متعدد بر نصاب‌الصبیان نوشته شده، از جمله آنها تعلیقه‌ای است از جانب سید شریف جرجانی و یک شرح هم به زبان فارسی با نام (ریاض‌الفتیان) توسط کمال بن جمال هروی دارد.

¹ نوبهارا بچووکان

تأثیر پذیری از سیاق این فرهنگ مشهود است و با الگوگیری از آن، چند فرهنگ با زبانهای عربی، فارسی، انگلیسی و ترکی نوشته شده است که به 3 مورد اکتفا می‌کنیم:

- نصاب 2: انگلیسی، فارسی و عربی که از نتیجه‌ی خاطر شاهزاده فرهاد میرزا است.
- نصاب ادیب‌الممالک فراهانی که مشتمل بر صد بیت است و زبان مبدأ و مقصد (فارسی_فرانسوی) دارد.
- تحفه و هبی مشتمل بر عده‌ی زیادی از مفردات و ترکیبات فارسی که به زبان ترکی شرح شده است.
- در این فرهنگ منظوم در مطلع هر قطعه برای حسن تأثیر و توجه، رنگ تغزل و تشبیب بدان بخشیده و بحر و وزن هر قطعه را در ابتدای آن آورده که خود منت بزرگی است بر دانش پژوهان علم ثقیل عروض.

نسخ نصاب‌الصبیان:

- نسخه بمبئی با علامت اختصاری (بم)
- نسخه تبریز با علامت اختصاری (تب)
- نسخه تهران با علامت اختصاری (ته)

نسخ متعدد دیگر نیز از کتاب موجود است که تفاوت‌های چشمگیر با هم دارند و به همین خاطر تعداد ابیات گاه‌ها از پانصد بیت تجاوز می‌کند که سیصد بیت آن ملحقات است و دوبیتی‌هایی که برای تعیین بحر و اوزان ابیات در اوائل قطعه‌ها درج و چاپ شده نیز از فراهی نیست و هر آنچه افزون بر دویست بیت باشد زائد است به دلائل زیر:

1_ فراهی صریح می‌گوید:

چون مجموع آن دویست آمد آنرا نصاب‌الصبیان نام کردیم

2_ در جای دیگر گوید: لغت را چون کلید علم دیدم، نموداری به نظم آوردم از آنکه میل طبع مردم چون عزیزست به سوی نظم و بر خواننده آسان، دوصد بیت آمد و چون اندک آمد، نصابش نام کردم بهر صبیان.

شرحی که ابومحمد القاینی به عربی بر نصاب نوشته همان دویست بیت است و آنرا نصاب‌العلم نام‌گذاری کرده است.

1. 1. ابونصر فراهی

ابونصر فراهی سجزی شاعر اوائل قرن هفتم هجری متولد 640 ق فقیه، شاعر، ادیب و لغت‌شناس در سیستان و شاعر مداح ملک‌المغازی متین‌الدوله بهرام شاه بوده است.

گویند هنگام تولد نابینا بوده است. فراهی در لغت و فقه و حدیث مهارت داشت و با وجود نابینایی در شعر و ادب عربی و فارسی مقامی بلند یافت و ظاهراً با زبان‌های هندی و ترکی نیز آشنایی داشته است (خان بابا، مشار، 1340ه).

درباره فراست و روشنی باطن او سخن‌ها رفته و داستان سفر به مکه‌اش مشهور است (اوحدی، بلیانی، 1022).

فراهی افزون بر نصاب‌الصبیان چند اثر دیگر نیز از خود به یادگار گذاشته است:

- لمعة‌البدر: کتابی است فقهی که آنرا به رشته‌ی نظم درآورده است.
- شرح ذات‌العقدین: در توضیح پاره‌ای از مسائل فقه حنفی به زبان عربی و به رشته‌ی نظم.

2. 2. احمد خانی:

دانشمند و شاعر ارجمند، احمد فرزند الیاس ملقب به احمد خانی در سال 1650م همانگونه که خود در کتاب مم و زین اشاره نموده در شهر بایزید، متولد شده است البته بنابر اقوال دیگر سال تولد احمد خانی آشکار نیست (قانات، گردو، 1394ه).

در خانواده‌ای دانش‌پرور و مذهبی به دنیا آمد و به همین سبب از نوباوگی، تحصیلات حجره را آغاز نمود و بعد از آن در بایزید، مدرسه‌ای دینی تأسیس نمود و مشغول به تدریس در آن مکتب گشت.

به قول علاءالدین سجادی: احمد خانی سرور نویسندگان و شاعران کرد است. خانی در اتحاد جماهیر شوروی شهره خاص و عام بوده است. افزون بر کتاب نوبهار، مم و زین را تصنیف نموده که با چاپ این کتاب، حکایت تمدن مردم کرد برای خوانندگان و دانشجویان کرد و گروه بزرگی از مردم دنیا پدیدار گشت که مردم کرد دارای ادبیاتی بسیار غنی و مدنیستی باستانی بوده‌اند (همان، 1394ه).

خانی به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی تسلط داشت لکن از نوشتن با آن زبان‌ها پرهیز می‌کرد و خود می‌گوید: چون برای زبان مادری خود حمیت دارم، به زبان‌های دیگر نمی‌نویسم. خانی افزون بر تدریس دروس حجره، در برهه‌ای دبیر میر بایزید بوده است.

کردشناس مشهور اُربلی درباره‌ی خانی می‌گوید: هنگامی که سخن از شاعر می‌آید، نوشته‌هایی را از او می‌بینیم که پیوند دهنده مردم به ملتشان است. تنها کردها هستند که خانی را فراموش نکرده‌اند و او را شاعر ملی خود می‌دانند و او را به خوبی می‌شناسند.

متأسفانه برخی از تصانیف خانی، همانند تألیفات مؤلفان دیگر گرد، با سهل‌انگاری اکنون در دسترس نیست. بدرخان می‌گوید: آنگونه که من شنیده‌ام، خانی کتابی جغرافیایی داشته که در آن بحث موقعیت آب و هوایی، آسمان و ستارگان را کرده است. هرچند که من برای پیدا کردن این کتاب تلاش زیادی کردم اما تاکنون به دست من نرسیده است (جلادت، بدرخان، 1893).

سر انجام خانی به سال 1707م و در 58 سالگی دیده از جهان فانی فرو بست و آرامگاهش در دغو بایزید (شرق ترکیه) قرار دارد و قبله‌گاه عاشقان خانی می‌باشد.

3. 3. معروف نوده‌ی:

از جمله مشهورترین مشاهیر برزن‌جی، شیخ معروف نوده‌ی می‌باشد که در قریه‌ی نودی، از توابع فرمانداری شهر بازار در استان سلیمانیه در سال 1166ه در زمان امارت بابانیها ولادت یافت و در آغوش و تحت سرپرستی والدین رشد کرد.

این خانواده از اوایل قرن نهم هجری درخشیدند و در میان آنان عالم و شاعر و ناظم بسیار بودند که همه آنان در فرهنگ عربی و فارسی ید بیضایی داشتند. شیخ معروف از لحاظ مولد نوده‌ی، از لحاظ وطن سلیمانیه‌ای، از لحاظ نسب برزن‌جی، از لحاظ مذهب شافعی و در عقیده اشعری و طریقتش نیز قادری بوده است (خال، محمد، 1904).

سرانجام در سال 1254ه در شهر سلیمانیه به رحمت خدا پیوست و با پشته‌ای از حکمت و تقوا در گورستان سیوان و نزدیکی آرامگاه سلیمان پاشا آرامید.

مقدمه:

تعیین این موضوع و تحقیق در این باب به‌دلیل کمبود یا نبود نوشته‌ای مدّون و مطالعه تطبیقی در این مورد بود. بررسی سیر تحول فرهنگ‌های سه‌گانه و اقتباس نوده‌ی از آن‌ها امری بود که پژوهشگر را مجاب به تحقیق در این موضوع کرد.

نوده‌ی جنبه ناظمیتش بر شاعر بودنش می‌چربید و او را ناظمی بزرگ می‌خوانند. نوده‌ی شخصیتی صاحب‌نظر بوده و از زبان همگانش در می‌یابیم که ایشان را قدوة زنده خود می‌نامیدند و نامه‌ی شیخ آلوسی در جواب رساله‌ی نوده‌ی پرده از حشمت

ایشان برمی‌دارد: (سلام بر عالم همه علوم، آنکه منطوق و مفهوم را دریافت. آن بزرگوار عالی مقام که همیشه فضلش مشهور و به سخاوت موصوف باشد. تا روزگار باقیست، نامت پایدار بماند و سلام و رحمت خداوند بر شما باد).²

بحث خطیر در این باب یاددهی به نوآموز است که این مباحث ملکه ذهن شود و در میان‌سال‌ها به کار گرفته شود. در پی نگاشتن نوبهار، نصاب‌الصیبیان به‌تدریج در حجره‌های کردستان رخت بربست و جای خود را به نوبهار پرداخت. نکته عمده در نوشتن این جستار، پیونددهی فرهنگ احمدی است با نوبهار و نصاب‌الصیبیان فراهی که نودهی در تحریر فرهنگ خود به هر دو فرهنگ، نگاه داشته و ایده نوشتن فرهنگ خود را از آنها گرفته است.

مطالعات تطبیقی در باب فرهنگ‌های احمدی، نصاب‌الصیبیان و نوبهار

هر سه فرهنگ به عادت مألوف با نام و یاد خداوند و پیامبر (صلی‌الله علیه و سلم) کلام را آغاز می‌نمایند و این‌مورد حاکی از تبعیت مرسوم است.

در نصاب‌الصیبیان بعد از بیان نام خداوند و صفات او و بحث در مورد پیامبر و بهشت و جهنم، فی‌الفور به سراغ اعضای بدن می‌رود:

سقر: دوزخ و نار: آتش، ولی	چو جنت: بهشت، آخرت: آن سرای
ریه: شش، قفا: پشت سر، وجه: روی	فخذ: ران، عقب: پاشنه، رجل: پای

در فرهنگ احمدی اقتباس از شیوه نصاب‌الصیبیان عیان است به‌طریقی که پس از سیزده بیت ابتدایی، شتابان به بیان اعضای بدن می‌پردازد:

رأس: سهره، عین: چاوه بدن: قالب، إسم: ناوه

آوردن واژه‌های متضاد در یک مصراع به تقلید از شیوه بی‌بدیل نصاب‌الصیبیان است:

صافی: سافه کدر: لئله ذکر: نیره أنثی: مئیه

به کار بردن اسم اعداد در پهلوی هم، که حاکی از توجه به شیوه نصاب‌الصیبیان است.

موردی که در آن فرهنگ احمدی و نوبهار نیز مبرهن از نصاب‌الصیبیان الهام گرفته‌اند، انتخاب سبک نصاب‌الصیبیان است که در بحور عروضی متعدد شعر سروده‌اند.

البته چون اعصار و محیط جغرافیایی سه فرهنگ با هم متفاوت است لاجرم مواردی که با آن سر و کار داشته‌اند متفاوت بوده و در نصاب‌الصیبیان که قدیمی‌تر است با لغاتی برخورد می‌کنیم که کاربرد آن در کهن‌الایام بیشتر بوده است.

نوبهار خانی ویژگی‌هایی را داراست که همین ویژگی‌ها سبب استحکام جایگاه آن در حجره‌های کردستان شد. ویژگی‌های نوبهار عبارتند از:

- دارا بودن متد آموزشی منحصر به فرد، بدین معنا که خانی در همان آغاز می‌گوید در ذهن دارد به‌وسیله این کتاب کاری کند که (قفل در ذهن، بر روی کودکان کرمانجی باز شود).³
- حاوی پند و اندرز در سرآغاز هر فصل.
- در لابه‌لای پند و اندرز می‌خواهد وزن شعر مربوطه را به کودک یاد دهد.
- شمولیت همه قسمت‌های کلمه.
- آشنایی و مهیا کردن ذهن کودک برای علوم دیگر از جمله: صرف و نحو، تاریخ، عقیده و عرفان.

² _ عین نامه با اندکی تغییر

³ _ ده‌ری زبهنی ل بچووکید کورمانجان قه‌یتن

فرهنگ مذکور به سبب ویژگی‌های مطرح شده، شتابان جای خود را در حجره‌های کردستان تثبیت نمود و تقلید از آن نیز آغاز گشت؛ یکی از فرهنگهایی که به تقلید از نوبهار به عرصه تصنیف درآمد، عبارت بود از: احمدی نوده‌ی. فرهنگ احمدی قریب صد سال بعد از نوبهار توسط شیخ معروف نوده‌ی منظوم گشت و با تصنیف ابن کتاب، نصاب‌الصبیان برای همیشه از حجره‌های کردستان رخت بر بست.

همانگونه که اشاره رفت، نوبهار به شیوه‌ای ضمنی، بعضی علوم را معرفی می‌کند و سبب آشنایی کودک با آنها می‌شود از جمله:

1_ تاریخ اسلام: به‌ویژه سیره پیامبر اسلام نظیر اصول اولیه است که کودک باید آن‌را بفهمد و در اول به آن اشاره شود:

ل مه فـرزه بـ_____ زانین	پـهـسـوولـی خـو ه ب تهـحقیق
ب مهولـد هم ب مهـدفن	بناسـ_____ین دا و بابـ_____ان

2_ صرف و نحو:

هاتم: أتیت، آتی: تیم وئ هات: أتی، آیت: و مره

3_ فلسفه:

بزائن چارن عناسر: ئاخ و ئاف و با و ئاگر، هم

مهوالیدن ئهفه همر سی: نهبات، مه‌عدهن و حمیوان

4_ پزشکی:

ته‌بایع: گهرمی و ساری، زوایی و ته‌ری همرچار

وه رمنگ سه‌فرا و سه‌ودا به‌لغم و خورن بیژره ئه‌خلاتن

فرهنگ نوبهار از جهت تنظیم و سبک بسی به کتاب نصاب‌الصبیان نزدیک است. از جوانب متعدد خواهیم این هم‌جواری را بررسی کنیم به صورت زیر است:

- هر دو فرهنگ دارای مقدمه‌منثورند.
- از حیث بحور عروضی و انواع آن، از بحور متعدد بهره‌جسته‌اند.
- هدف هر دو فرهنگ تنها یاددهی لغات نیست، بلکه به‌صورت تلویحی اهداف متعددی را دنبال می‌کنند.

با وجود این شباهت‌ها، تفاوت‌هایی نیز با هم دارند از جمله:

- پیروی از متد علمی، هم‌زمان با انسجام موضوع، در نوبهار بر خلاف نصاب‌الصبیان.
- در فرهنگ نوبهار، خانی یاددهی عقیده و معارفه پیامبر و پیشوایان دینی را اولویت قرار می‌دهد و پس از آن به مبحث اصلی فرهنگ خود می‌پردازد؛ این در حالی است که در نصاب‌الصبیان چنین چیزی به چشم نمی‌خورد.
- در نوبهار بیت آغازین هر فصل با بطن فرهنگ پیوند دارد، برای مثال خانی در آغاز یک فصل می‌گوید:

موعللم بلا دل وه‌کی بهر بتن دقیتن شاگردئ دل بهر بتن

لکن در نصاب‌الصبیان، بیت نخستین که سروده شده است، علاقه‌ای با فحوای موضوع ندارد، همانند:

ای ز باریکی میانته همچو مویی در کمر غنچه از رشک دهانت می‌خورد خون جگر

در فرهنگ نصاب‌الصیبیان، مباحث بیگانه و متباعد از زبان عربی و علوم اسلامی به چشم می‌خورد و همین سبب سبکبار شدن فرهنگ می‌شود، برای مثال: نام بردن ماه‌های ترکی که با زبان عرب و علوم اسلامی پیوندی ندارد لکن در نوبهار چنین چیزی به چشم نمی‌خورد و هر مسئله‌ای به‌صورت واضح یا با واسطه به زبان عربی و مسائل دینی گره خورده است.

موضوع میرهن و خصوصی مربوط به نصاب‌الصیبیان، ملحقات و اضافات از جانب شارحان نصاب‌الصیبیان است که این موضوع در احمدی و نوبهار دیده نمی‌شود.

ویژگی مخصوص به نوبهار، ترجمه جمله است که گویی می‌خواهد دانش‌پژوه را به وادی مترجمی سوق دهد که البته این موضوع در دو فرهنگ دیگر به چشم نمی‌خورد، برای مثال:

فما خطبکم ایها المرسلون؟ گه‌لی قاسیدان بۆچ هاتینه هوون؟

پاره‌ای از مباحث به‌خصوص و شایان توجه در فرهنگ احمدی

در احمدی برخی ویژگی‌های منحصر به‌فرد وجود دارند که شایان دقت است و در فرهنگ‌های نوبهار و نصاب‌الصیبیان دیده نمی‌شود، نظیر:

1_ گران‌سنگ شمردن لغات و مباحث محسوس: در فرهنگ احمدی، نودهی اغلب مسائل و لغات محسوس به کار می‌برد و به‌ندرت لغت انتزاعی را در می‌یابیم که گویی اصلاً وجود ندارد. این گران‌سنگ شمردن قضایای مشهود از جانب شیخ معروف را می‌توان به‌عنوان نقطه قوتی بنگریم که می‌پندارم سبب خطیر شمردن این واژه‌های محسوس به دو موضوع بر می‌گردد:

- مراعات مخاطبان این فرهنگ که نوباوگانند.
- تأثیر جغرافیا و جامعه بر نودهی.

برای تبیین این موضوع لازم می‌دانم که برخی از داده‌ها را عرضه کنم تا محققانتر مسئله را توجیه کنم:

در فرهنگ احمدی آوردن اسم حیوانات به 63 نوع متعدد است، اندام‌های جسم به 50 نوع، اسم گیاهان به 43 گونه متعدد و خوردن و آشامیدن با 34 نوع گوناگون مدنظر قرار گرفته‌اند. این در حالی است که فقط نام 5 حرفه را روایت کرده است، این موضوع بیانگر جامعه هدف و اجتماعی است که نودهی در آن زیسته که البته در آن دآمداری پیشه اکثر مردم بود به‌همین خاطر بیشترین توجه را به خود جلب کرده و التفات به گیاه و درختان به‌سبب غنی بودن منطقه کردستان از این لحاظ بوده است لکن در همین باب به سبب عقب ماندگی و اوضاع نزولی اقتصاد در کردستان و برابری شغل و حرفه در آن، می‌بینیم که اسم پنج حرفه آورده شده است، این مطلب هم بیانگر حقیقتی است که شیخ معروف زیر سایه اثرگذاری جامعه خود زیسته است.

2_ چند مورد شایان توجه در زبان، برای مثال:

(الف) جنس: یکی از ویژگی‌های زبان عربی داشتن جنس است، لکن این مورد در زبان کردی (سورانی) یافت نمی‌شود، نودهی برای چاره این مشکل به توصیف پناه می‌جوید، بدین معنا که واژه عربی را با صفت دستوری مذکر یا مؤنث وصف می‌کند، نظیر:

خروف بَلّی به‌رخی نیره خروفة مَییه ضرغام شیره

(ب) معین نمودن جمع‌ساز از راه پسوند (ها)ی فارسی: نودهی برای تعیین اوضاع واژه‌های عربی در پاره‌ای اوقات از پسوند جمع‌ساز فارسی بهره جسته، هرچند زبان کردی به‌طور مستقل دارای پسوند جمع‌ساز است، همانند:

خیل: جمعی اسبها و سواره‌ها

3_ به کاربردن واژه‌بست⁴ و فعل فارسی در جمله، واژه‌بست کارایی فعل را دارد لکن نظیر فعل مستقل نیست بدین معنا که نمی‌تواند به‌تنهایی معنا ببخشد لاجرم باید به واژه پیشین خود ملحق شود، واژه‌بست در فرهنگ احمدی نقش بارزی را ایفا می‌کند و اکثر قریب به اتفاق بیت‌ها دارای واژه‌بست می‌باشد، نظیر:

رأس: سهره، عین: چاوِه بدن: قالب، اسم: ناوِه

در بیت مذکور سه واژه‌بست وجود دارد که همین مورد کار نویسند را در تنظیم بیت سهل نموده است.

نکته شایان توجه این است که نودهی در پاره‌ای مواقع از قواعد دستوری عدول می‌کند و به‌جای بهره گرفتن از واژه‌بست زبان کردی، از فعل فارسی بهره می‌گیرد، نظیر:

زوج بود شوهر، زوجة ژنه طلع و قراد است به کوردی: گهنه

یا

سری: رفتن شب، جلی: روشن است خفی: ون، خمیس ای پسر قشون است

پاره‌ای از مشابیه‌های نوبهار و احمدی

همانگونه که قبلاً ذکر کردیم؛ نوبهار نخستین فرهنگ منظوم کردی است و گمان می‌رود که نودهی فرهنگ خود را به تقلید از شیوه نصاب‌الصیبیان و بالأخص نوبهار خانی به رشته تحریر درآورده باشد. پاره‌ای از نشانه‌ها و شیوه بیان نودهی، اثبات کننده مدعی ما است، برای مثال خانی در نوبهار همی سراید که:

نوبهار

حلق و حلقوم و حنجره: گهروو

احمدی

حلق و حلقوم و بلعوم: گهروو

نوبهار

حلف و یمین و قسم: جومله سوند

احمدی

یمین و حلف و قسم: سوینده

همانگونه که مشاهده می‌کنید در این دو مثال نزدیکی بسیار دیده می‌شود، که خود اثبات کننده آن است که نودهی در سرایش احمدی، به نوبهار نیز التفات داشته است.

بر خلاف فرهنگ نوبهار اکثر قریب به اتفاق واژه‌های زبان عربی در فرهنگ احمدی واژه‌های زنده هستند و در عصر حاضر نیز کاربرد دارند و این مورد برای واژه‌های کردی نیز صدق می‌کند (دزویی، علی فتاح، ۱۹۸۵).

⁴ نووسهک

نوده‌ی نیز بسان خانی، اکثر اوقات واژه‌های عربی را با پاره‌ای از لغات آسان‌تر عربی، معنا می‌کند، نظیر:

حجة: بورهان، سلطان: دهلیل یا ملک: پاشا، صاغر: زهلل

در تطبیق نوبهار و احمدی باید فاصله زمانی بین تصانیف، ملاحظه شود. نوبهار در پیرامون سال 1682م نوشته شده و احمدی در سال 1790م به رشته تحریر درآمده است.

بلاشک در مدت این صد سال، بسیاری از تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به‌وقوع پیوسته است که در بینش و افکار روشنفکران کرد، تأثیر به‌سزایی داشته است. به این دلیل چون محتوای هر دو فرهنگ، ترجمه از زبان عربی به کردی است، شباهت فحوای آنها مورد تعجب‌آوری نیست.

در اینجا اطلاعاتی به دست می‌دهیم که نوده‌ی بیش از یک بار، به نوبهار نظر افکنده و این مورد کتاب گران‌سنگ ایشان را سبک‌بار نمی‌کند.

هر چند در قسمت بالاتر مثالهایی را ذکر کردیم ولی برای اثبات مدعی چند مثال دیگر ذکر می‌کنیم:

نوبهار

ته‌نیش: جنب، ابع: بنچه‌گ. عنق: نه‌ستو، ثدی: پوستان

احمدی

ابط: بن هه‌نگل، جنب: ته‌نیشته

نوبهار

بال و ضمیر و قلب: دلّه

احمدی

قلب و فؤاد و ضمیر: دلّه

نوبهار

دباء، قرع، یقطین: کوندک

احمدی

دباء و یقطین، هه‌م قرع: کوله‌که

اما یکی از مشکلات عمده فرهنگ احمدی که با آن برمی‌خوریم، مورد نقد قرار نگرفتن فرهنگ احمدی است که خود اشکالات عمده‌ای را بر کتاب وارد کرده است.

فرهنگ احمدی چاپهای متعدد دارد ولی آنگونه که باید، کتاب جرح و تعدیل نشده است. نظیر این مشکلات:

- تکرار بعضی از واژه‌ها مانند: جدید به معنای تازه و شحنا به معنی کینه و جامد به معنی خشک
- غلط بودن نگارش بعضی از واژه‌ها، همانند: تاقیه که صحیح آن طاقیه یا جزل به معنی سرور که صحیح آن جدل است.
- چون فرهنگ (عربی_ کردی) است، در ترجمه چند کلمه، واژه‌های فارسی مشاهده می‌گردد، مانند:
- واسع: فراخ.

- این فرهنگ ترجمه صرف کلمات است و نباید معنای استعاری در آن آورده شود، مانند: غمره به معنی آب بسیار ولی در کتاب به گرداب معنا شده است (محمد، محمدزاده، 1386).

نصاب الصبیان

أنف: بینی، حاجب: ابرو

احمدی

انف: لوته، حاجب: برو

آوردن 6 کلمه متفاوت و معنای مشترک برای آن که در هر سه فرهنگ دیده می‌شود و در نوع خود بی‌نظیر است.

عرب برای چیزهایی که با آن زیاد سر و کار داشته‌اند، نام‌های فراوان گزیده‌اند از جمله آنها شتر است لکن چون در زبان فارسی، معادلی برای همه آن نام‌ها موجود نیست، لاجرم فراهی آن‌را به دو دسته تقسیم کرده است:

اشتران جوان: افیل و حاشیه و حشو

ناقه پیر: عود و شارف و ناب و ثلب

- آوردن نام اسب‌هایی که در میدان مسابقه و نبرد در میان عرب مشهورند:

ده اسب اند در تاختن هر یکی را به‌ترتیب نامی است روشن نه مشکل

مُجَلِّی مُصَلِّی مسلّی و تالی چو مُرتاح و عاطف، خطی و مؤمل

- استفاده از لف و نشر ادبی که در جای خود حائز اهمیت است:

چو فهد و دُب و نمر: یوز دان و خرس و پلنگ

- همیشه آنگونه نیست که لغات متعدد ذکر شود و معنایی برای آنها در نظر گرفته شود بلکه در احمدی می‌بینیم که برای یک لغت دو معنا ذکر می‌کند، همانند:

رَقَبه: عهده هم‌گردنه

- وجه تمایز احمدی با دو فرهنگ دیگر در آن است؛ که دو لغت با حرکت‌های متفاوت را در کنار هم قرار می‌دهد که همان حرکت سبب تغییر معنا می‌شود و جناس تام را تشکیل می‌دهد، نظیر:

رُبد: کهره، رَبَد: کفه جُنّاح: گونّاح، جُنّاح: باله

در کتاب نصاب الصبیان به مواردی پرداخته است که ذکر آنها را لازم می‌دانم (در هر سه فرهنگ توجه به دین و آیین و افراد و مناسک دینی به وفور دیده می‌شود):

- اسامی زنان رسول اکرم (ص)

نه جفت نبی که پاک بودند همه بُد عائشه و خدیجه محترمه

با أم حبیبه، حفصه بود و زینب میمونه، صفیه، سوده، أم سلمه

- ذکر بیست مورد از نام‌های قرآنی پیامبر

نبی و امی و غیث و مزمل و نعمت رسول و صدق و رئوف و رحیم و نور و نذیر

کریم و رحمت و مدثر و سراج منیر

بشیر و شاهد و داعی و مصطفی و مبین

• **ذکر نحوست ماه‌ها** (البته این مورد در دین مبین اسلام جایگاهی ندارد و صرفاً از آن به عنوان داده استفاده می‌شود)

زان حذر کن تا نیایی هیچ رنج

هفت روزی نحس باشد در مهی

بیست و یک با بیست و چهار و بیست و پنج

سه و پنج و سیزده با شانزده

ذکر نام‌های اعمام پیامبر_ ذکر موالی پیامبر که آزاد کرده ایشاند_ ذکر قلاعی که نبی(ص) در جنگ خیبر گرفتند_ در عدد سوره‌های قرآن_ در بیان سوره‌هایی که در مدینه نازل شد_ در علم تجوید_ در بیان اسامی ماه‌های عربی_ در ماه‌های فرسیه و جلالیه_ در بیان محرمات گوسفند_ در اسامی حیوانات به سن‌های مختلف_ در اسباب منع صرف_ در بیان حروف مخصوص به عرب_ در عدد کلمات و حروف قرآن و ...

نتیجه‌گیری:

در سیر تطور تاریخی، نصاب‌الصبیان از نوبهار و احمدی پیشی می‌گیرد و می‌توان گفت که بنیان ایده را فراهی پایه‌گذاری کرده است. از مزایای تحقیق صورت گرفته می‌توان به نتیجه رسید که بنیان نهادن ایده توسط نخستین ایده‌پرداز، نقش کلیدی را در سیر تکامل آن علم دارد. در این جستار نمونه‌هایی را آورده‌ایم که نودهی از دو فرهنگ پیشین خود، تأثیر گرفته و در صدد آن برآمده که مشکلات فرهنگ‌های پیشین را رفع نماید و تا حدودی نیز موفق عمل کرده است. بحث الهام گرفتن بحثی فراخ است که در آن تبیین می‌کنیم که در بازه‌های زمانی، کتب نوشته در یک علم واحد، سیر تاریخی دارند و هر چه تصنیف به زمان حال نزدیک‌تر باشد، قاعدتاً گره‌های تصانیف قبلی را گشوده و نوشته‌اش از اشکالات کمتری برخوردار است. در این جستار، نوآوری صورت گرفته که قبل از این در این باب، کار متقنی صورت نگرفته و آن، مطالعه تطبیقی در این باب است که به‌صورت جداگانه، کارهایی در باب هر سه فرهنگ انجام شده اما اینکه با ذکر دلایل متعدد ثابت شود که نودهی ایده را از دو فرهنگ پیشین خود اقتباس کرده باشد، این تحقیق را جداگانه می‌سازد.

نکته حائز اهمیت دیگر در باب احمدی، وزن‌هایی است که برای سرایش منظومه خود در نظر گرفته و با بیانی سلیس، خواندن آن را برای مخاطبان دل‌انگیز کرده و در خوانش آن با تعقید مواجه نمی‌شویم و این در حالی است که در خواندن نصاب‌الصبیان و نوبهار در بسیاری از مواضع با تعقیدات مواجه می‌شویم و باید مکرراً آن را تکرار نماییم.

در مورد رخت بریستن نصاب‌الصبیان از حجره‌های کردستان و جای گرفتن آن توسط احمدی نودهی نیز دلایلی عمده وجود دارد و برجسته‌ترین آن، سازگاری روحیه مناطق کردنشین با آن و استفاده از معنایی با زبان خود آنها است و به کار بردن لغاتی در نصاب‌الصبیان که در منطقه ما کاربرد ندارد، از مواردی است که سبب رخت بریستن نصاب‌الصبیان شده است.

به عنوان یک پیشنهاد نیز عرض می‌کنم؛ کتب بسیاری با زبان کردی داریم که از گرد و غبار روزگار در امان نیستند و دست حاسدان همیشه در کمین نابودی آنهاست و با تطور ظلم نیز از گزند بیدادگران در امان مانده و ما هم باید نوه امانت داری باشیم و در پاسداری آنها کوشا باشیم.

منابع:

- 1_ بلیانی، اوحدی، عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، 2016م.
- 2_ عبدالله، مصطفی، کشف‌الظنون عن أسامی‌الکتب و الفنون، دار‌الکتاب العلمیه فی بیروت، 1971م.
- 3_ گردو، قانات، تاریخ ادبیات کردی، انتشارات عمو علوی قم، 1394ه.
- 4_ بدر خان، جلادت، مقاله شاعران کلاسیک ما (مجله هاوار)، 1940م.
- 5_ همدانی، علی، مقاله نصاب‌الصبیان، 1356ه.
- 6_ سلماسی زاده، جواد، مقاله نصاب‌الصبیان و تقلید کنندگان آن، 1351ه.
- 7_ محمدزاده، محمد، فرهنگ کوچک احمدی، انتشارات کردستان، 1386ه.

- 8_ ادموندز، سیسیل جی، کردها ترکها عربها، مترجم: ابراهیم یونس، چاپخانه نوبهار، 1367ه.
- 9_ خال، محمد، زندگینامه شیخ معروف نوده‌ی برزنجی، مترجم: احمد حواری نسب، نشر احسان، 1377ه.
- 10_ ئیبراهیم، ته‌حسین، نوبهار
- 11_ جهانی، پرویز، نوبهار
- 12_ مه‌ممودی، عبیدور محیم، لۆغت نامه‌ی ئه‌حمه‌دی، انتشارات کردستان
- 13_ نصاب‌الصیبیان، چاپ مجمع اسلامی، 1359
- 14_ دزه‌یی، عه‌لی فه‌تاح، نه‌ویه‌هاری خانی و ئه‌حمه‌دی شیخ ماری نودی، مکتبه‌ الوطنیه، 1985
- 15_ موسته‌فا ره‌سوول، عیزه‌دین، ئه‌حمه‌دی خانی شاعیر و بیرمه‌ند و فه‌یله‌سووف، مکتبه‌ی بیر و هوشیاری، 2008
- 16_ Mehmet zeydin، yildiz، 'wan، Transkripsiyon u vekol kitabu ahmediyeye، 2019